



اشاره:

گفت و گو با صنعتگری است که شیفته صنعت نساجی است و توانمندی‌های خود در این صنعت را به سطحی رسانده که به طراحی، تولید و به روزرسانی ماشین‌آلات صنعتی می‌پردازد. مهندس سروری دانش آموخته رشته مهندسی برق دانشکده فنی تهران است و در تمام سال‌های فعالیت در نساجی اعتقاد راسخ دارد که «تمام این موفقیت‌ها، اعتماد به نفس و حرکت رو به پیش را مدیون الطاف خداوندی هستیم که حتی یک لحظه مرا تنها نمی‌گذارد. شاید به این دلیل باشد که به ضرب‌المثل «خواستن، توانستن است» اعتقاد خاصی پیدا کرده‌ام و هیچ دلیلی برای انجام نشدن کارها برایم وجود ندارد. هیچ گاه کاری را نیمه کاره رها نمی‌کنم زیرا اگر انسان فعل «خواستن» را درک کند، «توانستن» بسیار ساده است.»



خدای تنهاییم نمی‌گذارد

- ❖ هیچ گاه کاری را نیمه کاره رها نمی‌کنم زیرا اگر انسان فعل «خواستن» را درک کند، «توانستن» بسیار ساده است.
- ❖ تولیدکننده‌ای که نتواند با همسایگان خود ارتباطات تجاری و صنعتی برقرار کند از تعامل و تبادل دو جانبه باز می‌ماند.
- ❖ شرایط حضور در بازارهای جهانی هر روز بیش از روز قبل برای ما دشوارتر می‌شود.

گفت و گو با مهندس ایوب سروری و رضا سروری سربابی - مدیرعامل و مدیربازرگانی شرکت سرور تکس

بافت تکرار کند.

سال ۱۳۴۹ تحت عنوان کارگر فنی وارد شرکت الیاف - تنها تولیدکننده نخ نایلون در خاورمیانه - و در سال ۱۳۶۲ با سمت معاونت بخش مهندسی از این مجموعه بزرگ تولیدی خارج می‌شود آن هم با کوله باری از تجربه، دانش فنی، تخصص و شیوه منحصر به فردش در تعمیر، نصب، طراحی و تولید ماشین‌آلات صنعتی. حتی از تولید یک ماشین چله پیچی در ایران سال ۱۳۴۵ یاد می‌کند که نمونه‌هایی از آن را به دو شرکت صاحب نام و معتبر ایرانی فروخته است. مهندس سروری در زمینه نصب ماشین‌آلات کارل

کوچک کتن بافی آغاز می‌کند و در مدت یک ماه از یک کارگر ساده به سرپرست یکی از واحدهای تولیدی کارخانه قاسمیان (واقع در خیابان سه راه آذری تهران) تبدیل می‌شود.

توکل به همراهی خداوند، عشق به تولید و کار با ماشین‌آلات، آنقدر در وجودش ریشه دوانده که با صراحت از توانمندی بالای خود در زمینه طراحی، تولید و به روز کردن ماشین‌آلات چله پیچی یاد می‌کند و ادامه می‌دهد در سن ۱۶ سالگی هم در زمینه طراحی پارچه و هم مکانیک ماشین‌آلات زبانزد اکثر کارخانجات نساجی تهران بودم و هنوز کسی نتوانسته سرعت عملکردم را در چله پیچی و

نمای اول - ترکیه - استانبول - نمایشگاه ITM - سالن ۴ - غرفه E۴۱۱ - نساجی امروز

فرصت برای انجام یک مصاحبه کوتاه است اما در همین مدت اندک به اطلاعات خوبی از یک صنعتگر ایرانی دست پیدا می‌کنیم؛ متولد سال ۱۳۲۹، زاده بندر ترکمن، بزرگ شده تهران و اصالتاً آذری (آذربایجان شرقی - شهر سراب) و دانش آموخته مقطع کارشناسی رشته برق از دانشکده فنی تهران است. به دلیل فوت پدر از سن ۱۳ سالگی وارد میدان تولید، تلاش و کار می‌شود. برحسب اتفاق با صنعت نساجی آشنا می‌شود، کار خود را در یک کارخانه



به دلیل شرایط بعد از انقلاب و تحریم‌های بین‌المللی امکان ارتباط آزادانه با بازارهای جهانی را از دست داده‌ایم و هنوز در ساخت بسیاری از قطعات خودکفا نشده‌ایم و نیازمند واردات هستیم.

مایر و بارمگ نیز تجارب متعددی دارد و باز هم یادآور می‌شود تمام این موفقیت‌ها، اعتماد به نفس و حرکت رو به پیش را مدیون الطاف خداوندی هستیم که حتی یک لحظه مرا تنها نمی‌گذارد. شاید به این دلیل باشد که به ضرب‌المثل «خواستن، توانستن است» اعتقاد خاصی پیدا کرده‌ام و هیچ دلیلی برای انجام نشدن کارها برایم وجود ندارد. هیچ گاه کاری را نیمه کاره رها نمی‌کنم زیرا اگر انسان فعل «خواستن» را درک کند، «توانستن» بسیار ساده است.

همچون اغلب تولیدکنندگان شیفته ایران است و اگرچه فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه خرید و فروش ماشین آلات ریسندگی، بافندگی و ... در ترکیه دارد اما هر لحظه که احساس کند ممکن است یک فعالیت به سود کشور تمام شود در انجام آن درنگ نمی‌کند ضمن این که به ضرورت انتقال دانش فنی و تجارب خود به نسل آینده، آگاهی کامل دارد.

در ورای خرید و فروش و تجارت، دغدغه تولید هم دارد زیرا کار با ماشین‌های تولیدی برایش ساده به نظر می‌رسد و می‌گوید گویی زمانی که کنار ماشین آلات می‌ایستم با من حرف می‌زنند زیرا تمام اجرای ماشین آلات را به خوبی می‌شناسم و تا زمانی که یک ماشین را به تولید نرسانم؛ آن را رها نمی‌کنم! از روزهای تحصیل در دانشکده فنی تعریف می‌کند و این که در عرض چند روز پس از تعمیر ماشین آلات تراشکاری انستیتو تهران آن هم در کمال شگفتی و ناباوری مسئولان انستیتو، عنوان «مهندس» را دریافت و مجوز ورود آزادانه به این مرکز معتبر و خوشنام علمی کشور را دریافت می‌کند.

وی در پاسخ به این سوال که چرا تولید ماشین‌آلات صنعتی در ایران رشد و توسعه پیدا نکرده است و ایران در این زمینه شناخته شده نیست؛ اظهار می‌دارد: به دلیل شرایط بعد از انقلاب و تحریم‌های بین‌المللی امکان ارتباط آزادانه با بازارهای جهانی را از دست داده‌ایم و هنوز در ساخت بسیاری از قطعات خودکفا نشده‌ایم و نیازمند واردات هستیم. زمانی هم که دست تولیدکننده بسته باشد نمی‌تواند در

عرصه تولید ماشین‌آلات صنعتی به رقابت با سایر کشورهای قدرتمندی که سابقه بیش از ۵۰ سال فعالیت صنعتی دارند؛ بپردازد.

وی دلیل رشد و پیشرفت چشمگیر صنعت نساجی ترکیه را ارتباط با بازارهای بین‌المللی می‌داند و یادآور می‌شود: کشورهای بلوک شرق، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان، حتی بخشی از روسیه، سوریه، مصر، کشورهای عربی و ... بخش قابل توجهی از ماشین‌آلات نساجی خود را از ترکیه خریداری می‌کنند اگرچه هنوز هم دانش فنی، خلاقیت، توانمندی و استعداد صنعتگران ایرانی بیشتر از تولیدکنندگان ترکیه است و این کشور صرفاً به دلیل شرایط خاص ایران و تحریم‌های سیاسی و اقتصادی ما، مجالی برای رشد و توسعه پیدا کرده‌اند.

مهندس سروری در مورد علت فعالیت در ترکیه عنوان می‌دارد: ترکیه کشور همسایه ایران است و در بسیاری از موارد دینی، فرهنگی، تاریخی و .. مشابه همدیگر هستند ضمن این که به طور مرتب در رفت و آمد به ایران هستیم.

این فعال نساجی نمایشگاه ITM امسال را بسیار تأثیرگذار و خوب توصیف می‌کند و ضمن اشاره به افزایش تعداد سالن‌های نمایشگاه ادامه می‌دهد: مسلماً روز به روز افزایش سطح تکنولوژی، دیدگاه‌ها، خواسته‌ها و نیازها باعث رشد، گسترش و پیشرفت صنعتی می‌شود.

نمای دوم - ایران - تهران - خیابان آزادی - دفتر ماهنامه نساجی امروز

این بار فرصت بیشتری برای شنیدن حرفهایش پیدا می‌کنیم. همراه فرزندش که او نیز دغدغه تولید و صنعت دارد؛ به دفتر ماهنامه می‌آیند؛ مقابلمان می‌نشینند و از صنعت نساجی، ترکیه، توانمندی متخصصین و تولیدکنندگان ایرانی، مشکلات موجود در گمرک، بروکراسی‌های عریض و طویل نهادهای دولتی و ... می‌گویند آن هم در شرایطی که تا پرواز به سمت ترکیه چند ساعت بیشتر باقی‌نمانده است! محور این گفت‌وگو «مقایسه صنعت نساجی ایران و ترکیه»، «خدمات و تسهیلات دولت ترکیه به صنعتگران داخلی» و البته پاسخ به این پرسش است «ترکیه با اتخاذ چه تدابیری توانست به یک کشور صاحبنام در این صنعت تبدیل شود؟»

مهندس سروری معتقد است: همان طور که می‌دانید، صنعت نساجی در ایران، ریشه دیرینه دارد و بسیاری از تولیدات سنتی آن مانند قالی بافی، ترمه بافی و ... در دنیا کم نظیر است. پس از انقلاب صنعتی و ورود ماشین‌آلات صنعتی به کارخانه‌های نساجی، تولید با وسایل ابتدایی به تدریج از بین رفت

و جای خود را به ماشین‌آلات و دستگاه‌های مدرن و پیشرفته امروزی داد به طوری که اگر نگاهی به دستگاه‌های گذشته بیندازید، متوجه سادگی و امکانات بسیار پائین دستگاه‌های مذکور خواهید شد. وی ادامه می‌دهد: ترکیه با توجه به ارتباط با کشورهای اروپایی و آمریکایی به ویژه آلمان، توانست نیروهای کار خود را به این کشورها اعزام نمایند که در نهایت به متخصصان متبحر و توانمند نساجی تبدیل می‌شدند و به آسانی از عهده اداره کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی ترکیه بر می‌آمدند؛ ضمن این که به دلیل افزایش حقوق و دستمزد نیروی کار، قیمت هزینه‌های انرژی و ... تولیدات نساجی در اروپا چندان مقرون به صرفه به نظر نمی‌رسید لذا تولیدکنندگان اروپایی ترجیح دادند تولیدات خود را در کشورهای مناسب دیگری مانند ترکیه انتقال دهند؛ ترکیه از این فرصت بهترین استفاده را به عمل آورد اما در همان، زمان شرایط اقتصادی و سیاسی برای ایران مساعد نبود و دشمنان سرسخت ایران، بزرگترین موانع پیشرفت کشور محسوب می‌شدند.

وی با بیان این مطلب که با لطف خداوند، همیشه به اصطلاح «یک سر و گردن بالاتر» از متخصصین خارجی بالاتر بوده، ادامه می‌دهد: هیچگاه به متخصصین و مدیران خارجی‌ها باج ندادام و در تمام زمینه‌های فنی و صنعتی موفق‌تر از آنها عمل کرده‌ام به این دلیل که اعتقاد دارم ایرانی از نظر توانمندی و استعداد نه تنها کمبودی مقابل صنعتگران سایر کشورها ندارد؛ بلکه بسیار با استعدادتر و تواناتر است؛ به طوری که بزرگترین متخصصین، پزشکان، مبتکران و چهره‌های موفق جهان، ایرانی هستند.

وی مشکل کشور را از زمانی عنوان کرد که تحریم‌های اقتصادی آغاز شدند و می‌افزاید: تولیدکننده‌ای که نتواند با همسایگان خود ارتباطات تجاری و صنعتی برقرار کند از تعامل و تبادلات چندجانبه باز می‌ماند که این امر به تدریج موجب تضعیف آن خواهد شد؛ متأسفانه به دلیل تحریم نتوانستیم وارد بازارهای اروپا و جهان شویم و دشمنان ایران اجازه ندادند که از امکانات کم نظیر ایرانی استفاده کنیم در حالی که ترکیه از این فرصت مناسب، استفاده کرد و در صنعت نساجی به رشد و توسعه قابل توجهی دست یافت اگرچه توانمندی آنها ۵۰ درصد استعداد متخصصین ایرانی نیست.

مهندس سروری می‌افزاید: در حال حاضر، حجم قابل توجهی از تولید نخ‌های فرانسوی در ترکیه انجام می‌شود و مسلماً یک تولیدکننده برای حفظ مشتری اروپایی، ماشین‌آلات مدرن و جدید خریداری می‌کند، سرعت و کیفیت تولیدات خود



چرا یک صنعتگر در شرایط دشوار فعلی، تمام ریسک‌های واردات ماشین آلات و موانع ترخیص از گمرک را تحمل کرده تا موجب رونق تولید و عدم بیکاری جوانان کشور شود، آیا پاسخی جز "عشق به وطن" وجود دارد؟

راستا، کمتر نگاه تخصصی و دلسوزانه وجود دارد. اگر به راستی خدمتگزاران و علاقه‌مندان جمهوری اسلامی ایران هستیم باید روند تولید و صنعت را تسهیل نمائیم؛ ابراز علاقه در شعار و لفظ که سودی ندارد!

وی می‌افزاید: به صورت خواسته یا ناخواسته برخی از افراد درصدد تخریب نام و اعتبار جمهوری اسلامی ایران هستند در ظاهر خود را مجریان جمهوری اسلامی ایران می‌دانند اما در عمل با سنگ اندازی در مسیر تولید؛ نگرش تولیدکننده و صنعتگر را نسبت به دولت بدبین می‌کنند.

مهندس سروری نیز بحث را این گونه تکمیل می‌کند: اصلاً بر فرض محال، ماشین آلات صنعتی از طریق نامشروع وارد کشور می‌شود به هر حال این یک وسیله تولیدی در خدمت کارخانه‌های صنعتی قرار می‌گیرد و قرار است با آن تولیدی انجام شود که اشتغال نیروی انسانی، افزایش میزان تولید داخلی و صادرات را به همراه داشته باشد. این مسأله اشکالی دارد؟! مگر سود یک کارخانه چه میزان است که باید بابت واردات یک دستگاه مبالغ گزافی به گمرک و ... بپردازد؟

بخش دیگر مصاحبه به امکانات و تسهیلات دولت ترکیه به تولیدکنندگان تفاوت‌های موجود با حمایت‌های دولت ایران اختصاص می‌یابد. مهندس سروری اعتقاد دارد: بهترین کمک یک دولت به تولیدکننده کاهش میزان مالیات، سهولت و روان‌سازی قوانین و مقررات است. دولت ترکیه بدون دردسر در کوتاه‌ترین مدت، مشوق صادراتی را به تولیدکننده خود می‌پردازد، واردات را تحت کنترل قرار می‌دهد برای مثال تعرفه واردات کالاهای چینی را به دلیل حمایت از تولید داخل، به اندازه ای بالا می‌برد که عملاً واردات کالای چینی به ترکیه مقرون به صرفه نیست لذا در بازارهای ترکیه به هیچ وجه کالای چینی مشاهده نمی‌کنید. پس تدبیر هوشمندانه دولت موجب رونق تولید داخلی و مانع نفوذ کالای چینی به ترکیه شده است.

رضا سروری در تکمیل سخنان پدر اضافه می‌کند: در ترکیه زمانی که یک کارخانه، ماشین دست دوم

سرمایه خود را بدون دردسر و مشکل در بانک قرار دهد و از بهره آن استفاده کند؟ یا سرمای‌اش را صرف انجام کارهای دیگر غیر از تولید و صنعت نماید؟ چرا یک صنعتگر در شرایط دشوار فعلی، تمام ریسک‌های واردات ماشین آلات و موانع ترخیص از گمرک را تحمل کرده تا موجب رونق تولید و عدم بیکاری جوانان کشور شود، آیا پاسخی جز "عشق به وطن" وجود دارد؟

مهندس سروری رونق تولید را در مساعدت دولتمردان و نگرش مثبت تر به تولید و تولیدکننده می‌داند و اعلام آمادگی می‌کند به سهم خود در به روز رسانی و ارائه خدمات در زمینه ماشین آلات و دستگاه‌های واحدهای تولیدی و ارتقای کیفیت تولیدات کارخانه‌های نساجی تمام تلاش خود را به عمل آورد.

رضا سروری به عدم تخصص کارشناسان دولتی اشاره می‌کند و معتقد است: متأسفانه بالغ بر ۷۰-۶۰ درصد کارشناسان حوزه صنعت نساجی؛ فاقد دانش و تخصص این صنعت هستند در حالی که تمام پرسنل ادارات و سازمان‌های ترکیه، متخصص همان رشته هستند که این روند، فعالیت‌ها را به سمت تخصصی شدن امور هدایت می‌کند. وی می‌افزاید: گویی در ایران می‌خواهیم افراد را مثل اقیانوسی با عمق ۵ سانتی‌متر از نظر اطلاعات فنی داشته باشیم! در حالی که چنین نگرشی صحیحی نیست و ما نیاز به چاه‌هایی با عمق ۲۰۰-۲۵۰ متر دانش و اطلاعات فنی هستیم.

به زعم وی، بارها اتفاق افتاده که کارشناس گمرک اطلاعاتی در مورد ماشین و دستگاه وارداتی نداشته و من از ترکیه به ایران آمده و زمانی اختصاص داده‌ام تا به وی در مورد عملکرد و ضرورت واردات آن ماشین توضیحاتی ارائه‌دهم! و یا به یک شرکت معتبر رنگری ایرانی دستگاهی فروختیم اما به علت عدم توجه مسئولان گمرک دستگاه در زیرباران و شرایط نامناسب جوی قرار گرفت و ۲۰ میلیون تومان صرف تعمیر یک دستگاه ۷۵ میلیون تومانی شد! سوال اینجاست که چرا باید دستگاه‌ها و ماشین‌آلات در گمرک تخلیه شوند و چرا به مدیران اجازه داده نمی‌شود دستگاه را در محل کارخانه خود تخلیه نمایند تا چنین هزینه‌های سرباری (تعمیر ناشی از صدمه هنگام تخلیه) ایجاد نشود؟

وی به برخورد احساسی و شخصی برخی مسئولان گمرک اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: متأسفانه نگرش مثبتی به واردکننده ماشین‌آلات و سرمای‌گذار نمی‌شود و اغلب مسئولان به این نکته توجه نمی‌کنند که یک سرمای‌گذار تصمیم دارد با ایجاد اشتغال به تولید کشور خدمت نماید و باری از دوش دولت بردارد. جای تأسف است که در این

را افزایش می‌دهد و به رشد قابل توجهی دست می‌یابد به همین دلیل بازار کشورهایی مانند فرانسه، انگلیس، آلمان، روسیه، بلوک شرق و آمریکا در اختیار ترکیه قرار دارد و استانبول به بازار نساجی جهان تبدیل شده است. اگر شرایط مناسبی پیش‌آید تا بتوانیم کشورهای بلوک شرق و جمهوری‌های شوروی سابق را جذب صنعت نساجی ایران نمائیم؛ به موفقیت خواهیم‌رسید البته شرایط حضور در بازارهای جهانی هر روز بیش از روز قبل برای ما دشوارتر می‌شود و نقل و انتقال پول با دشواری انجام می‌گیرد.

وی ابراز می‌دارد: به عنوان یک ایرانی در ترکیه علیرغم مشکلات موجود مانند بالا بودن هزینه‌های تولید و ... نسبتاً موفق بوده ایم و نه تنها برای آنان کار نمی‌کنیم بلکه به ایجاد اشتغال و کارآفرینی نیز پرداخته‌ایم به طوری که حداقل ۶۰-۵۰ گروه تولیدی زیرمجموعه ما کار می‌کنند.

مهندس سروری در بخش دیگر این گفت‌وگو ادامه می‌دهد: با این که فعالیتیم را از نقطه زیرصفر شروع کردم و تا مدتی به صفر رسیدم اما امروز با کمک خداوند در هر جای دنیا باشیم، می‌توانم روزی خود را تأمین کنم این توانمندی در اغلب صنعتگران و تولیدکنندگان خوش‌فکر ایرانی وجود دارد اما مشروط بر کمک و حمایت دولت از تولید به خصوص واردات ماشین آلات نساجی از گمرکات. برای مثال در ترکیه، تشریفات گمرکی یک دستگاه ماشین استنتر معمولی که جهت تکمیل پارچه و رنگری، یک ابزار مهم محسوب می‌شود؛ حدود یک ساعت به طول می‌انجامد اما به محض ورود به ایران، ده‌ها مشکل و گرفتاری برای صنعتگر ایرانی که در این شرایط دشوار بین‌المللی توانسته دستگاهی خریداری نماید و زمینه اشتغال جوانان و نیروی کار کشور را فراهم کند؛ ایجاد می‌شود. مثلاً عنوان می‌شود این ماشین وارداتی، فرسوده و قدیمی است در حالی که استنتر مدل ۲۰۰۰ با مشابه سال ۲۰۱۲ تفاوت چندانی ندارد زیرا می‌توان قسمت‌های فرسوده را تعویض کرد و از دستگاه، حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد. مشکل دیگر نوع برخورد برخی از مسئولان گمرک با صنعتگر است گویی وی خطا و جرم غیر قابل بخششی انجام داده است و یک مجرم خطرناک را دستگیر کرده‌اند! دستگاهی که با دردسر فراوان و هزینه‌های گزاف وارد شده، بدون کوچکترین ملاحظه روی زمین تخلیه می‌شود و بارها پیش آمده که دستگاه‌ها به علت سهل‌انگاری و کم‌توجهی مأموران گمرک دچار آسیب جدی و تقبل هزینه مضاعف تعمیر شده است!

وی ادامه می‌دهد: آیا این صنعتگر نمی‌توانست



وجود ما از این مملکت تغذیه شده است پس باید تا آخرین لحظه زندگی تلاش کنیم انسان های موثر و ارزشمندی برای وطن خود باشیم. اگر یکایک ما در توسعه کشور احساس مسئولیت نداشته باشیم؛ پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

خود را به فروش می‌رساند از آن جایی که اکثر کمپانی‌های معتبر اروپایی در این کشور دارای نمایندگی هستند؛ با همان مبلغ حاصل از فروش دستگاه خود، ماشین جدیدی خریداری می‌کند و بقیه مبلغ آن را به صورت اقساط می‌پردازد، از محل درآمد این دستگاه، اقساط پرداخت می‌شود و در نهایت صرفه‌جویی در هزینه‌ها را به همراه دارد بنابراین از محل فروش یک دستگاه قدیمی، کارخانه صاحب یک دستگاه مدرن می‌شود. همچنین دولت ترکیه در بسیاری از مناطق از تولیدکنندگان مالیات دریافت نمی‌کند و با اتخاذ تخفیف‌های مالیاتی و حق بیمه‌ای از صادرکنندگان، حمایت می‌کند، برخی از صادرکنندگان توانمند، مشمول تخفیف واردات ماشین آلات تولیدی از گمرک ترکیه می‌شوند و حتی در بعضی موارد هیچ مبلغی را بابت گمرک از صنعتگر دریافت نمی‌کنند در حالی که تصمیم داشتیم از ایران دستگاه دست دوم به کشور دیگر بفروشیم اما به اندازه ای در این زمینه برای ما مشکل ایجاد کردند که منصرف شدیم!

وی ضمن اشاره به ضعف سیستم گمرک کشور می‌گوید: برخی از رفتارها و برخوردها در گمرک، شخصی، احساسی و غیرمسئولانه و گاه ریاست مآبانه است! در صورتی که چنین رفتاری در ترکیه به هیچ عنوان وجود ندارد و دریافت کوچکترین رشوه، موجب عزل فرد مسئول از مقام خود و حذف از صحنه‌های سیاسی مانند شرکت در انتخابات و ... می‌شود.

وی ادامه می‌دهد: زمانی که به عنوان مسافر با چمدان وارد گمرک می‌شوید، چمدان را باز می‌کنند و اگر چند قطعه پوشاک در آن وجود داشته باشد با مسافر مانند یک قاچاقچی خطرناک رفتار می‌شود که باید جریمه های سنگینی بپردازد! اما از سوی دیگر کانتینرهای متعدد پوشاک بدون کیفیت چینی و .. وارد بازار و موجب نابودی تولیدکننده داخلی می‌شود اما چرا برخوردی با این حجم گسترده از قاچاق صورت نمی‌گیرد و فقط با آبروی مسافر که ممکن است در چمدان خود پوشاک را صرفاً به عنوان سوغات آورده باشد؛ بازی می‌شود؟

در ترکیه هیچ محصولی بدون برگه ورودی اجازه ورود پیدا نمی‌کند و حتی حمل و نقل از یک شهر به شهر دیگر ترکیه هم باید دارای مجوز و برگه ورودی باشد در غیر این صورت به عنوان قاچاق ضبط می‌شود. در ایران چنین نظارتی وجود ندارد و بسیاری از کارخانه ها به دلیل واردات انبوه منسوجات چینی متوقف شده‌اند. آیا در این شرایط می‌توان انتظار رشد نساجی کشور را داشت؟ اصلاً چگونه صنعتگر باید در مقابل این حجم از واردات مقاومت کند آن هم زمانی که محصول آماده و تکمیل شده چینی (با احتساب هزینه حمل و نقل و ...) در بندرعباس ۸۵ سنت تحویل داده می‌شود اما هزینه تولید همان محصول برای تولیدکننده داخلی حدود ۳ هزار تومان تمام می‌شود؟ متأسفانه گمرکات کشور زمانی که باید حساسیت به خرج بدهد توجهی به موضوع نشان نمی‌دهند اما در مواردی که باید واردات را تسهیل نمایند؛ سنگ اندازی می‌کنند!! به خاطر دارم که یک بار با مسئول یکی از گمرکات کشور هنگام واردات ماشین آلات نساجی بحثی پیش آمد و به وی خاطر نشان کردم "شما از دلالت حمایت می‌کنید و مانع فعالیت صنعتگر می‌شوید پس عامل صهیونیست هستید که نمی‌خواهید ایران پیشرفت کند. اگر واقعاً دلسوز ایران بودید اجازه واردات یک قطعه که باعث تعطیلی ۱۱ روزه یک کارخانه تولیدی شده را می‌دادید تا موجب نارضایتی کارگر از دولت نشود."

مهندس سروری نیز به ذکر خاطرهای در زمینه موانع موجود در گمرک می‌پردازد و عنوان می‌دارد: یکی از قطعات بسیار حساس ماشین چاپ کارخانه‌ای خراب شده بود و متخصصین موفق به تعمیر این ماشین ساخت هلند نشدند. بنابراین با ده‌ها ترنند دستگاه را از ترکیه به هلند برای تعمیر بردم و پس از تعمیر ماشین، برای این که کارخانه معطل قطعه نماند تصمیم گرفتم آن را شخصاً از ترکیه به ایران بیاورم. در فرودگاه ترکیه کوچکترین مشکلی ایجاد نشد و به ایران آمدم. به دلیل فوت یکی از بستگان به شیراز رفتم و در فرودگاه شیراز مسئولان گمرک پرسیدند که این دستگاه چیست. جریان را برایشان توضیح دادم. یکی از مسئولان، پاسپورتم را گرفت و نگاهی انداخت سپس گفت: متولد بندر ترکمن؟ در شیراز؟! گفتم: مگر من ایرانی نیستم؟ بندر ترکمن چه فرقی با شیراز دارد؟ آیا نمی‌توانم به عنوان یک ایرانی به شیراز بیایم!! در اروپا ویزای شنگن در تمام کشورها اعتبار دارد و هیچ کسی از من بازخواست نمی‌کند! برای اطمینان بیشتر با کارخانه تماس بگیرید تا مطمئن شوید روزی ۲۰۰ کارگر در گرو تحویل این دستگاه است که خرابی آن ۴ ماه تولید را متوقف کرده است. هرگز پست و مقام برایم مهم نبوده و

نیست اما این زحمت و مشقت را به خود داده ام تا دستگاه را از هلند به ترکیه و از آنجا به ایران بیاورم تا هموطنانم به کار ادامه دهند و تولید متوقف نماند. آیا تشخیص این موضوع دشوار است؟ به نظر می‌رسد مصاحبه به ذکر خاطرات و نمونه‌هایی از ضعف سیستم حمایت از تولید کشیده شده است. رضا سروری نیز عنوان می‌کند: چند روز پیش، یک ماشین اروپایی به ایران فروختیم مسئولان گفتند که واردات دستگاه تولید سال ۲۰۰۷ میلادی به بعد مجاز است. اما اگر تولید ترکیه نباشد گشایش اعتباری برای آن انجام نمی‌شود! مگر ترکیه توان تولید چند نوع دستگاه و ماشین تولیدی را دارد و اصلاً مگر کیفیت ماشین آلات آلمانی با آن قدمت و اعتبار جهانی قابل مقایسه با نمونه ترکیه است؟! یک ماشین آلمانی مدل ۲۰۰۰ از نظر کیفیت آلیاژی و .. به مراتب بهتر از ماشین ترک تولید سال ۲۰۱۲ است. اما اجازه ورود ماشین اروپایی داده نمی‌شود لذا تولیدکننده داخلی مجبور است ماشین کم کیفیت ترکیه را خریداری کند که طبعاً بر کیفیت تولیداتش اثرگذار خواهد بود.

مهندس سروری در تکمیل این موضوع خاطر نشان می‌سازد: البته به دولت ترکیه اولتیماتوم داده شده که حق گشایش اعتبار برای کالای غیر تولید ترکیه برای ایران را ندارند اما ما با رایزنی‌های بسیاری که انجام دادیم توانستیم سیستم بانکی را متقاعد نمائیم که وقتی یک دستگاه آلمانی در ترکیه کار می‌کند؛ آن دستگاه در واقع "ملی" شده است و ورودش به ایران معنی ندارد. به عنوان یک بازرگان که تشکیلات سیاسی و اقتصادی ندارم؛ توانستم سیستم بانکی ترکیه را متقاعد نمایم آیا دولتمردان سیاسی و اقتصادی ما نمی‌توانند این راه‌ها را بررسی کنند؟ وی ادامه می‌دهد: همیشه از خدا خواسته‌ام اگر یک روز فقط یک عضو از بدنم کار کند باز هم برای کشورم موثر باشم؛ وجود ما از این مملکت تغذیه شده است پس باید تا آخرین لحظه زندگی تلاش کنیم انسان های موثر و ارزشمندی برای وطن خود باشیم. اگر یکایک ما در توسعه کشور احساس مسئولیت نداشته باشیم؛ پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

رضا سروری به نکته جالبی اشاره می‌کند: در ترکیه، کارشناسانی وجود دارند که به بررسی وضعیت کارخانه‌ها می‌پردازند و زمانی که متوجه عملکرد منفی یک کارخانه می‌شوند؛ علل آن را با دقت خاصی موشکافی می‌نمایند و به همفکری با مدیران کارخانه می‌پردازند تا مشکل برطرف شود حتی در صورت نیاز، وام کم بهره در اختیار کارخانه قرار می‌دهند. در حالی که بهره بالای بانکی در ایران یکی از



در اغلب شهرهای ترکیه، کانون مشاوره صنعت وجود دارد که ارتباط مستقیم با صنعت و تولیدکننده برقرار کرده‌اند و همیشه در کنار صنعتگر خود به حمایت از تولید می‌پردازند. جای این کانون در صنایع ما خالی نیست؟

در محیط کار حاضر می‌شوند و مطمئناً خلاقیت و ابتکار خود را از دست می‌دهند و نمی‌توانند برای آن مجموعه مفید و مثرتر باشند. این مشکل در تیپ ظاهری برخی کارخانه داران و مدیران ما نیز وجود دارد به طوری که با کت و شلوار مدرس در مذاکرات تجاری حاضر می‌شوند در حالی که به عنوان نمایندگان ایران باید ظاهری آراسته و شیک داشته باشند تا طرف خارجی به انجام معاملات تجاری با آنان ترغیب شود.

وی خاطر نشان می‌کند: تولید یکی از بزرگترین کارخانه های تولیدی ایران، به روزانه یک تن رسیده بود پس از تحویل کارخانه، یک مجموعه پیمانکاری تشکیل دادیم و ۲۰۰ نیرو برای ادامه تولید در نظر گرفتیم و موفق شدیم ظرف مدت دو ماه تولید را از یک تن به ۹ تن افزایش دهیم. در حالی که به دلیل ضعف مدیریت قبلی تولید باید به ۱۵ تن می‌رسید. زمانی که برخی متوجه موفقیت ما در کارخانه شدند از آنجایی که نمی‌خواستند این کارخانه رونق داشته باشد و تمایل داشتند کارخانه را در اختیار بگیرند و به نحو دیگر از آن استفاده نمایند؛ آن قدر برای ما مشکل ایجاد کردند که عطای کار را به لقای آن بخشیدیم! به این ترتیب یک کارخانه بزرگ را در معرض ورشکستگی قرار دادند تا بعدها به بخش خصوصی واگذار شود و با یک دهم قیمت خریداری گردد و این به معنای نابودی کامل آن کارخانه و تولید خواهد بود.

در ترکیه هیچ گاه وقت چنین جریاناتی اتفاق نمی‌افتد اگر تولید را از یک تن به دو تن برسانید با حمایت و تشویق دولت مواجه می‌شوید و تمام نیازهای شما را به عنوان تولیدکننده رفع می‌کنند. وی در پایان سخنانش، تجارت را یک بازی بزرگ مانند شطرنج می‌داند که در آن باید رقیبان را مدنظر قرار داد.

مهندس سروری نیز عنوان می‌دارد: به عنوان یک ایرانی هر جای دنیا که باشیم؛ تلاش می‌کنم اعمال، رفتار و گفتارم برانزنده یک صنعتگر ایرانی باشد.

تولیدکننده‌ای است که در بازار نامساعد داخلی موفق به پرداخت حقوق پرسنل یا پرداخت مالیات، بیمه و ... نشده‌است! برای مثال دو سال پیش یکی از کارخانه های معتبر نساجی، صرفاً به دلیل بدهی به یکی از نهادهای دولتی تعطیل اعلام شد و به این آسانی ۹۰ کارگر بیکار شدند. آیا این به معنای دلسوزی برای صنعت است؟ آیا بیکاری منشأ بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی مانند سرقت، فساد و ... نیست؟ آیا تولیدکنندگان ما خلاق‌تر و توانمندتر از تولیدکنندگان چینی نیستند که توانسته‌اند بازار دنیا را فتح کنند؟ مشکل ما چیست؟ تخصص؟ ضعف دانش فنی یا سیستم‌های نادرست دولتی و بروکراسی های اداری؟ در حال حاضر چند متخصص نساج به وزارت صنعت و معدن جهت توسعه این صنعت مشاوره می‌دهند و از آنها کمک خواسته شده است؟ در اغلب شهرهای ترکیه، کانون مشاوره صنعت وجود دارد که ارتباط مستقیم با صنعت و تولیدکننده برقرار کرده‌اند و همیشه در کنار صنعتگر خود به حمایت از تولید می‌پردازند. جای این کانون در صنایع ما خالی نیست؟

انتقادات ادامه دارد! در جایی که رضا سروری می‌گوید: در زمینه سیستم خدمات الکترونیکی چند کارخانه ما وبسایت کامل و متمرکز دارند؟ چند کارخانه در ایران از طریق وب سایت به بازاریابی و فروش محصولات خود می‌پردازند؟ در حالی که تمام کارخانه‌های ترکیه از طریق وب سایت‌های خود به جذب مشتری می‌پردازند؟ چند کارخانه ما توانسته‌اند از طریق اینترنتی تبلیغات کنند و اصلاً چند نفر به این موضوع فکر کرده‌اند؟

وی یادآور می‌شود: امکان ندارد وارد کارخانه ای در ترکیه شوید و فضا سازی ورودی آن مانند هتل، زیبا، مدرن و شیک نباشد. تمام کارخانه ها به زیبایی محیط، رنگ آمیزی سالن ها، دکوراسیون مدرن و .. توجه خاص نشان می‌دهند تا مشتری خارجی که جهت بازدید به کارخانه می‌آید مجذوب خط تولید آنجا شود. تاکنون به ده‌ها کارخانه نساجی در ایران مراجعه کرده‌ام که کوچکترین اصول نظافت و پاکیزگی محیط کارخانه را رعایت نمی‌کنند به طوری که انسان حتی رغبت نمی‌کند در آن جا یک فنجان چای بنوشد. بارها اتفاق افتاده جهت بازدید از یک دستگاه به کارخانه ای مراجعه کرده‌ام اما آنقدر اطراف ماشین، وسایل متفرقه و غیرقابل استفاده قرار داشت که موفق به بررسی ماشین نشده‌ام! پاکیزگی محیط کار در افزایش روحیه و انگیزه کارکنان بسیار موثر است. زمانی که پرسنل در یک محیط کسل کننده و نامرتب کار کنند؛ خواه ناخواه بر عملکرد آنها اثر سوء می‌گذارد و کارایی و مفید بودن از بین می‌رود؛ به این ترتیب پرسنل با بی میلی

مشکلات تولیدکننده داخلی و مانع بزرگی برای تولید محسوب می‌شود. در سیستم بانکی ایران به دلیل بهره های بالا مردم ترجیح می‌دهند پول خود را در بانک پس انداز کنند تا بهره بیشتری به دست آورند اما در ترکیه، بهره بانک‌ها، آنقدر پایین و اندک است که بهترین گزینه، سرمایه گذاری در تولید است و به این ترتیب سرمایه های مردم جذب تولید و صنعت می‌شود، از طرف دیگر واردات ماشین آلات مورد نیاز کارخانه های تولیدی در اسرع وقت و بدون مشکل از گمرک انجام می‌شود این در حالی است که به هیچ عنوان نمی‌توانید از ایران دستگاه دست دوم خارج کنید.

وی یادآور می‌شود: به کارخانه ای در ترکیه رفتم که تولیدکننده پارچه برای برندهای معتبر پوشاک بود که برای تکمیل و رنگرزی هر متر پارچه ۴/۵ یورو دریافت می‌کند و تی شرت آن با قیمت ۶۰-۵۰ یورو به فروش می‌رسید.

یک تولیدکننده ایرانی اگر بخواهد از همان مواد اولیه استفاده کند و با همان کیفیت محصول نهایی را ارائه نماید؛ اول این که توان انجام کار را ندارد؛ دوم این که اگر محصول نهایی با همان قیمت تمام شود، خریداری نخواهد داشت زیرا در ترکیه، کارخانه دار برای بازار تعیین می‌کند که چه محصولی به فروش برساند؛ چه برندی با چه طرح و رنگی وارد کند و ... اما در ایران، تجار این اقدام را برای کارخانه دار تعریف می‌کنند یعنی کارخانه دار برای خود توان تعریف بازار را ندارد و همیشه بازار برایش "تعریف" می‌شود. برای سود بیشتر و کاهش قیمت از کیفیت محصول نهایی از مواد اولیه نامرغوب و ارزان استفاده و به این ترتیب اعتبار تولید ایران را خدشه دار می‌کنند.

به گفته وی؛ کارخانه ای در ایران تحت لیسانس یک شرکت ترک به تولید پارچه و محصولات جین می‌پردازد. برند ایرانی، متری ۴ هزار تومان به فروش می‌رود اما برند ترک که همان کیفیت را دارد متری ۶ هزار تومان است! متأسفانه نسبت به تولید ایرانی تعصب خاصی وجود ندارد و تجار ما به جای حمایت از تولید داخلی، کارخانه دار را مجبور می‌کنند به تولید محصول با کیفیت پایین تر بپردازند که این ضعف بسیار بزرگ ماست.

رضا سروری به تلاش تولیدکنندگان ترکیه در کسب بازارهای صادراتی کشورهای آمریکای لاتین اشاره می‌کند و می‌گوید: در ترکیه، تولیدکننده به فکر گرفتن بازار برزیل، آفریقای جنوبی و ... است و مدیر فروش کارخانه ها همیشه در سفر هستند. کارخانه‌ای که نتواند حقوق کارگران خود را به موقع بپردازد توسط یارانه های دولتی حمایت می‌شود اما در ایران جریمه و تعطیلی کارخانه، مجازات

